

افسانه انقلابهای رنگی، به کوشش دکتر الهه کولایی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴.

«افسانه انقلابهای رنگی» نخستین کتاب از مجموعه مقالات پژوهشی و سخنرانی‌هایی است که در برنامه اوراسیای مرکزی ارائه و به کوشش دکتر الهه کولایی منتشر شده و مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ناشر این کتاب است. برنامه اوراسیای مرکزی بهمن ۱۳۸۴ در مرکز مطالعات عالی بین‌المللی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران افتتاح شد تا مرکزی مطالعاتی و پژوهشی برای شناخت متمرکز مسایل روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز در دانشگاه تهران شکل گیرد.

بنابه آنچه در پیشگفتار کتاب «افسانه انقلابهای رنگی» آمده است: «مرز طولانی کشور ما با جمهوری‌های بازمانده از فروپاشی اتحاد شوروی در منطقه آسیای مرکزی، قفقاز و فدراسیون روسیه، اهمیت شناخت دقیق این مناطق را بخوبی روشن می‌سازد» و «برنامه اوراسیای مرکزی در پاسخ به نیازهای گوناگون کشور در شناخت مسایل روسیه و دیگر جمهوری‌های بازمانده از فروپاشی شوروی طراحی و راه‌اندازی شده تا فضای مناسبی برای انجام طرحهای تحقیقاتی، همکاری با مراکز علمی و تحقیقات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی برای دانشجویان و تصمیم‌گیرندگان عرصه‌های مختلف اجرایی را فراهم سازد».

با تکیه بر این اهداف، برنامه اوراسیای مرکزی سخنرانی‌های علمی، کارگاه‌های

آموزشی و نیز دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی برای دانشجویان و تصمیم‌گیرندگان عرصه‌های مختلف اجرایی برگزار کرده و می‌کند که مجموعه سخنرانی‌های تخصصی مربوط به بررسی تحولات کشورهای گرجستان، اوکراین و قرقیزستان که به تغییر مسالمت‌آمیز حاکمان این کشورها انجامید، در کتاب افسانه انقلابهای رنگی گردآوری شده است. در راستای برآورده ساختن همین اهداف پژوهشی است که در ماههای گذشته، مجموعه سخنرانی‌های علمی برای بررسی تحولات منطقه آسیای مرکزی و قفقاز برگزار شده که در کتاب «افسانه انقلابهای رنگی» گردآوری شده است. این کتاب حاوی مباحث مطرح شده در نشستهای تخصصی است که به بررسی تحولات موسوم به انقلابهای رنگی در جمهوری‌های گرجستان، اوکراین و قزاقستان پرداخته‌اند. انقلابهای رنگی در این سه جمهوری بازمانده از فروپاشی اتحاد شوروی از آن جهت اهمیت بسیار یافته‌اند که در پی تظاهرات و شورشهای مردمی در این سه کشور، حاکمان اقتدارگرای این جمهوری‌ها در روندی مسالمت‌جویانه تغییر یافتند. رویدادهای سه سال متوالی گذشته در گرجستان (۲۰۰۳)، اوکراین (۲۰۰۴) و قرقیزستان (۲۰۰۵)، احتمال سرایت انقلابهای دموکراتیک را به دیگر کشورهای منطقه اوراسیای مرکزی افزایش داده و این پرسش‌ها را مطرح ساخته که ریشه‌های وقوع این تحولات چه بوده‌اند و نقش بازیگران عمده منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در روند تغییر رژیمهای سیاسی یکی پس از دیگری چیست؟

مباحث این کتاب با ارائه گزارشی از افتتاح برنامه اوراسیای مرکزی آغاز شده که در آن خانم کولایی، مدیر برنامه اوراسیای مرکزی از فقدان مراکز تحقیقاتی برای شناخت ویژگی‌های فدراسیون روسیه و جمهوری‌های بازمانده از اتحاد شوروی انتقاد کرد. پس از آن مشروح سخنان دکتر منصور صفت‌گل، استاد تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی، درباره پیدایش و تکوین اوراسیای مرکزی در یک بستر تاریخی و با ارائه دوره‌بندی‌های زمانی آورده شده و ویژگی‌های سه دوره «شکل‌گیری اولیه مفهوم اوراسیا، تکوین و تحول اوراسیا و ظهور اوراسیانیسم، و تجدید اندیشه اوراسیاگرایی در دوره جدید» برشمرده شده است.

دکتر یدالله کریمی‌پور، استاد گروه جغرافیای دانشگاه تربیت معلم نیز نگاهی به ویژگی‌های جغرافیایی منطقه اوراسیای مرکزی انداخته تا نشان دهد که اوراسیا به عنوان پهناورترین خشکی زمین منطقه بروز کنش‌های تاریخی متعددی بوده و با فروپاشی شوروی و

تجزیه این سرزمین پهناور، روس‌ها در سرایشی تند تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفتند. وی از روسیه به عنوان تنها کشور اوراسیایی جهان که حداقل دارای ۱۲ ویژگی بارز جغرافیایی است یاد کرد و با این پیش‌بینی برژینسکی که پنج کشور ایران، آذربایجان، اوکراین، کره و ترکیه تنها با تداوم قدرت ژئواستراتژیک روسیه از اهمیت ژئوپلتیک برخوردارند، سخن خود را به پایان برد.

فصل اول کتاب با عنوان «انقلاب گل سرخ» در دو بخش تنظیم شده است. در بخش اول، حمیدرضا حافظی از تحولات گرجستان به عنوان رویدادی مهم در مجموعه کشورهای مشترک‌المنافع نام برده و کوشیده است به این پرسش پاسخ دهد که ریشه‌های وقوع چنین تحولاتی در جامعه‌ای با مشخصات گرجستان چه بوده است؟ وی در بررسی علل وقوع حوادث گرجستان به دسته‌بندی متغیرهای مؤثر دور و نزدیک پرداخته و نتایج تحولات گرجستان را «مطرح شدن الگوی جدید رفتاری برای ایجاد دگرگونی در کشورهای مشترک‌المنافع، تقویت مواضع غرب و تضعیف ضریب نفوذ روسیه در یکی از کانونهای سنتی نفوذ، فراهم نمودن زمینه‌های رویارویی و اصطکاک منافع روسیه و غرب و ...» برشمرده است.

مقاله دوم این بخش، مقاله دکتر بهرام امیراحمدیان است که طی آن به تحلیل ژئوپلتیکی تحولات گرجستان پس از حادثه ۱۱ سپتامبر پرداخته تا پس از ریشه‌یابی بحرانهای قومی و امنیتی این کشور، ابعاد روابط امنیتی گرجستان با روسیه و آمریکا را مورد بررسی قرار دهد. وی تحولات سال ۲۰۰۳ گرجستان را به بحرانهای چندساله در مسایلی چون تمامیت ارضی، رکود اقتصادی، بیکاری، بدهی‌های خارجی، نارضایتی داخلی، وجود رشوه و فساد در دستگاههای دولتی مرتبط دانسته و نتیجه گرفته است: «اکنون روسیه در مرزهای جنوبی خود بیش از هر وقت دیگری احساس عدم امنیت و تهدید می‌کند و به نظر می‌رسد برخورد منافع این دو قدرت فرامنطقه و منطقه‌ای اوضاع کشورهای منطقه را دچار تنش خواهد کرد و به نظامی شدن منطقه و عدم ثبات سیاسی - اقتصادی دامن خواهد زد».

فصل دوم کتاب با عنوان «انقلاب نارنجی» نیز در دو بخش متوالی تحولات اوکراین را به بحث گذاشته است. مقاله اول را حمیدرضا حافظی با تأکید بر اثرگذاری عوامل دور و نزدیک خارجی و داخلی نگاشته و کوشیده تا نشان دهد چگونه دموکراسی غربی با مؤلفه‌هایش به نبرد با

اقتدارگرایی و تمرکزگرایی برخاست و آمریکا و اتحادیه اروپایی و سازمان امنیت و همکاری اروپا در حالی به حمایت از کاندیدای طرفدار غرب برخاستند که مقامات مسکو از تداوم بقای سیستم سابق حمایت می‌کردند. به باور وی، غرب با به صحنه کشاندن طرفداران و بخصوص جوانان به اهداف خود که ساقط کردن رقیب است، اقدام نمود و استفاده از جنگ روانی و شعارهایی چون آزادیخواهی، اصلاح طلبی، دفاع از حقوق بشر، رفاه عمومی و مبارزه با فساد اداری به قیامهای مردمی و نافرمانی مدنی دامن زد.

خانم الهه کولایی نیز در مقاله‌ای به جدایی اوکراین از روسیه و چالشهای حاصل از آن و بررسی مسایلی چون «سلاحهای هسته‌ای، مالکیت شبه جزیره کریمه، تقسیم ناوگان دریای سیاه» که مورد توجه طرفهای اوکراینی و روسی قرار داشته و دارد، پرداخته است. وی این نکته را با اهمیت دیده که چون «جهت‌گیری‌های ژئوپلیتیکی اوکراین کاملاً با روابط روسیه و آمریکا ارتباط داشته است، روابط بشدت متحول آمریکا و روسیه و تنظیم رابطه میان روسیه و اتحادیه اروپایی فرصتها و تهدیدهای بسیاری برای اوکراین به همراه داشته است».

خانم کولایی نتیجه گرفته است: «انقلاب نارنجی اوکراین از تعامل یا تقابل آمریکا و روسیه تأثیر پذیرفته به گونه‌ای که اقدامات بعدی مسکو و واشنگتن نیز ابعاد دیگر رویارویی کاندیداهای مورد حمایت دو کشور را به نمایش گذاشت».

«انقلاب لاله‌ای» عنوان فصل سوم مجموعه «افسانه انقلابهای رنگی» است که در آن دکتر سیدرسول موسوی در صدد پاسخ دادن به این پرسشها برآمده که «چرا در کشورهای نسبتاً دموکراتیک منطقه آسیای مرکزی و قفقاز چنین تحولاتی برای تغییر نظامهای سیاسی رخ داده است؟ و چرا نظامهای اقتدارگرای منطقه‌ای همچنان به قوت خود باقی مانده‌اند؟»

وی علاقمند است تا تحولات سه جمهوری قرقیزستان، اوکراین و گرجستان را در چارچوب بحران جانشینی تحلیل کند و افزوده است: «تمامی جمهوری‌های استقلال یافته از اتحاد جماهیر شوروی به نوعی دچار این بحران هستند با این تفاوت که بعضی از جمهوری‌ها موفق به از سرگذراندن این بحران می‌شوند و بعضی دیگر موفق نمی‌شوند». در مقاله دیگری در همین فصل، دکتر الهه کولایی ریشه‌های رخدادهای مارس ۲۰۰۵ در قرقیزستان را به مسایلی

چون فساد و قاچاق مواد مخدر، مشکلات اقتصادی ناشی از انتقال نظام اقتصادی کشور به نظام اقتصاد آزاد و افزایش گرایشهای اسلام‌گرایانه در این کشور نسبت داده است.

وی به چالشهای بسیاری که پانزده جمهوری بازمانده از تجزیه شوروی در مسیر ایفای وظایف دولت ملی با آنها مواجه شدند اشاره کرده و افزوده است: «سیاستهای اقتصادی و اجتماعی دوران اتحاد شوروی چنان در وضعیت داخلی این جمهوریها تنیده است که به نظر نمی‌رسد با بیان عزم سیاسی رهبران روسیه بر اعلام استقلال این جمهوریها در پایان سال ۱۹۹۱ میلادی بتوان واقعیت‌های موجود را انکار کرد».

خانم کولایی از تجربه جنگ داخلی تاجیکستان به عنوان عاملی که سبب شد تهدیدات ناشی از فروپاشی شوروی و خلاء ژئوپلیتیکی ناشی از آن آشکار شود، یاد کرده و آورده است: «روند توسعه سیاسی و دموکراتیزه شدن جمهوری‌های آسیای مرکزی بطور جدی از تجربه جنگ داخلی تاجیکستان اثر پذیرفت».

فصل پایانی کتاب نیز به جمع‌بندی پیامدهای منطقه‌ای و جهانی تحولات این سه کشور اختصاص دارد. دکتر پیروز مجتهدزاده در بیان پیامدهای جهانی تحولات گرجستان، اوکراین و قرقیزستان به این نکته اشاره کرده که ایالات متحده آمریکا در تلاش است تا به ساختاری قانونی برای زیرسلطه گرفتن کشورهای مختلف دنیا دست یابد و حمله نظامی آمریکا به افغانستان و عراق شاهدهی است بر این مدعا.

وی پروژه صدور انقلابهای رنگی در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را بسیار موفق خوانده و نتیجه گرفته است که آمریکا بدون حضور ناتو و با حضور گسترده سیاسی و امنیتی خود می‌تواند اهدافش را در مناطق مختلف جهان محقق سازد.

دکتر سعیده لطفیان نیز به اثرات دومینویی دموکراسی در دیگر کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز پرداخته و کوشیده است به این سؤال پاسخ دهد که «آیا تجربه سه کشور در سایر کشورهای منطقه هم تکرار شدنی است یا خیر؟» وی این جمع‌بندی را عرضه می‌دارد که گرچه برای کشورهای منطقه اقدامات فوری برای رسیدگی به مطالبات مردم ضروری است اما خوشنتمهای ناشی از تغییر رژیم از راه جنگ در عراق نشان داد که اصلاحات تدریجی و انتقال

صلح‌آمیز نظام سیاسی به دموکراسی مطمئن‌ترین راه موجود است. همچنین، ادامه سیاستهای رقابتی آمریکا و روسیه تنها به تضعیف محیط امنیتی اوراسیای مرکزی می‌انجامد و بنابراین راه حل مشکل ناامنی در منطقه این است که بازیگران منطقه‌ای در صدد تشکیل یک نهاد امنیت منطقه‌ای برآیند که در آن اعضا بتوانند خودشان به مشکلات امنیتی موجود رسیدگی کنند.

به اعتقاد دکتر لطفیان، هدف کلی این ترتیبات امنیتی می‌تواند کاهش انگیزه‌های بروز درگیری و میسر ساختن روش مذاکره برای حل مسایل حاد پیش از اوج‌گیری اختلافات و تبدیل آن به بحران تعریف شود. چنین نهادی باید در صدد تهیه مجموعه‌ای از مقررات رفتاری برای مقابله با مشکلات و نگرانی‌های ملی و منطقه‌ای باشد و مقررات آن به گونه‌ای انعطاف‌پذیر و با گفتگوهای دسته‌جمعی منظم تدوین شود و با هر تحول مهم در محیط امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی نیز قابلیت بازنگری را داشته باشد.

به این ترتیب کتاب افسانه انقلابهای رنگی با در اختیار گذاشتن مجموعه‌ای از سخنرانی‌های علمی و مقالات پژوهشی دو نگرش یا رویکرد در بررسی تحولات سه جمهوری آسیای مرکزی و قفقاز را مشخص می‌سازد. در رویکرد اول، که محصول سخنرانی‌های افتتاحیه و فصل پایانی کتاب است، بررسی عمومی روند تحولات منطقه‌ای اخیر با ترسیم فضای تاریخی و جغرافیایی مؤثر بر این دگرگونی‌ها مورد توجه قرار گرفته و به دغدغه‌های پیش روی حاکمان کشورهای منطقه در ابعاد مختلف اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی پرداخته شده است. در این رویکرد است که از منطقه اوراسیا به عنوان عرصه‌ای محتمل برای رقابتهای شدید بین قدرتهای بزرگ در هزاره جدید یاد می‌شود که استقرار بیش از صد هزار نظامی آمریکایی در پایگاههای نظامی منطقه شاهدهی بر این مدعاست.

در این میان، کمکهای مادی و معنوی نهادها و بنیادهای غربی به جنبش‌های جوانان و طرفداران اصلاحات و حمایت رسانه‌ها و رهبران سیاسی کشورهای اروپایی و آمریکایی شرایط مناسبی برای قوت‌گیری رهبران مخالف و بسیج عمومی مهیا ساخت.